info@payamdaily.com

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۷۹۶
سه‌شنبه / ۲۴ تیر / ۱۴۰۲
۱۹ / محرم / ۱۴۴۷
15 / July / 2025

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: یاهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۴۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۴۳-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

برش

فرمول زندگی ملکه ریاضی جهان

۲۳ تیر ماه ۱۳۹۶، مریم میرزاخانی برنده معتبرترین جایزه ریاضی جهان از میان ما رفت اما مسئله‌های مدافگرانش چیزی فراتر از فرمول‌های ریاضی است او با تلاش نبوغ و توضیح بی‌نظیرش به تمام زنان جهان خودباوری ستودنی برای حضور در رشته‌ای داد که مهم‌ترین دستاورد هایش نتیجه کار اقلیدس بود.

به گزارش پیام آشنا به نقل از خراسان، بیست‌سوم تیرماه، هشتمین سال خاموشی مریم میرزاخانی، بدأور جایی است که مر قابلیک زن ایرانی معادلات جهان را نه فقط در ریاضی، که در یاو به جستجوی تلاش و رویا بازنویسی کرد تصویر آن روز تلریخی در ستیول ۲۰۱۴، هنوز در ذهن جهانیان زنده است: زنی آرام با چشمانی عمیق، مدال طلایی فیلدز را با وقاری ایرانی، در دستانش داشت. بعدها که از او دربارهٔ ابتلا به بیماری می‌پرهم پرسیدند با همان لبخند متواضعانه گفت: «سال‌ها نفر اول نباشدم و نرسیدم چرا من؟ حالا هم نمی‌گویم چرا من.» مر مواجهه با سرنوشت، ترجیح داد به جای شکایت و اندوه، درخشش بیافریند و ذخیرت نسل جدید را به کشف و شهامت دعوت کند. چه ترکیبی از جسارت، رویا و استقامت مریم میرزاخانی را به ملکه ریاضی جهان تبدیل کرد؟ او چگونه نخستین زنی شد که فیلدز را گرفت و امید و جسارت خودباوری را به قلب زنان و دختران سراسر جهان تزریق کرد؟ از این جا یاورنده یکی از ماندگارترین قصه‌های علم و زندگی آغاز می‌شود.

مریم، تولد یک افسانه

مریم میرزاخانی در اردیبهشت ۱۳۵۶ در تهران به دنیا آمد؛ دختری که در کودکی با دانیایی از کتاب‌ها و سؤال‌ها بزرگ شد؛ وبه جای قناعت به پاسخ‌های آماده، همواره راه خودش را برای کشف جهان پیدا می‌کرد. محله‌ای ساده، خانواده‌ای مهربان و اهل مطالعه. نخستین جرقه‌های این عطش سیری‌ناپذیر را روشن کردند: دبیرستان فرزانگان. نخستین عرصه جدی بروز استعداد بی‌پایان او بود. اما راه او به هیچ عنوان هموار نبود: داستان معروف پاره کردن برگه امتحان ریاضی در نوجوانی، تبدیل به نقطه عطف شد؛ مریمی که شکست را نه به عنوان پایان، بلکه آغاز آزمودن دوباره و یافتن راهی نو می‌دید. کسب دو مدال طلای المپیاد جهانی ریاضی، آن هم با راه‌حل‌های ابتکاری و گاه نامتعارف، مسیر را برای خضوش در دانشگاه صنعتی شریف هموار کرد؛ جایی که در کنار نخبگان همجورباش، اما با همان سادگی، توضیح و نگاه متحصربه‌فردش، مسیرش را پی گرفت. رفتن به بهترین دانشگاه‌های جهان هم نه کنجکاوی‌اش را کم کرد. نه مدل زندگی بی‌آلایش روزانه‌اش را تغییر داد و نه یاوش رغبت و جنگید اما بدون هیاهو، بدون تغییر در ظاهر و شخصیت و شاید رمز موفقیت و الهام‌بخشی‌اش در همین تمرکز کامل و ستودنی‌اش روی اهداف بلند.

فرمول‌هایی که مرزهای علم را جابه‌جا کرد

وقتی نوبت به ساختن جلدهای تازه مر در ریاضی رسید، مریم میرزاخانی همان جوینده بی‌قراری بود که سوالِ نانشناخت‌ترین مسیرها رفت. او مفاهیمی را لمس کرد که حتی ذهن بسیاری از ریاضی‌دانان مرد، تا پیش از او فقط جرات نزدیک‌شدن به آن‌ها را داشت: هندسه، سطوح ریمانی، فضای مدولی و دینامیک هندسی. برای آدم‌های عادی، شاید این واژه‌ها غریب باشند؛ اما برای مریم، هر کدام پلی بود میان سؤال و کشف. او سعی کرد ریاضیات را به جای حل مسئله «جدید یا قسمه کشف یک جهان تازه» کند. پژوهش‌های او فهم ریاضی از فضاها و اشکال را دگرگون کردند و مسیرهای تازه‌ای به فیزیک و دانش داده‌های پیشرفته گشودند: مثلاً ایده‌های وی امروز در فضاهای دینامیکی و رمزنگاری کوانتومی هم جای کاربرد دارند. فتح مدال فیلدز در ۲۰۱۴، بعنی معادل نوبل ریاضی جهان، تنها بخش کوچکی از اعتبار جهانی او بود؛ و هر سال در جشنواره‌هایی که در گوشه و کنار دنیا برگزار می‌شود، به دانش‌آموزان دختر و جشنواره ریاضی انگیزه می‌دهد. امروز نامش‌ها مراکز و سالن‌های علمی به اسمش مزین‌اند. بلکه برای خیلی‌ها یک «خانه» است: نمادا این که می‌توان با رویا و تلاش، مرزهای مردانه علم را در هم شکست و جهان را بازنویسی کرد.

فرمول‌های ساده زندگی یک ذهن زیبا

میرزاخانی می‌تواند برای ما مثل بقیه دانشمندان باشد؛ کسانی که آمدند، در زمینه‌ای خاص چیزی به دنیا اضافه کردند و با فرستی بیشتر و کمتر از او از میان ما رفتند؛ اما اگر این طبع به زندگی او نگاه کنیم یکی از وجوه مهم زندگی‌اش یعنی سبک زندگی غیر کلاری اش را نادیده گرفتیم؛ او برای یک ریاضی‌دان، یک دانشجو، استاد، دختر، همسر و مادر بود که می‌شود به ابعاد مختلف زندگی‌اش توجه کرد.

فروتنی بی‌متال: مریم هیچوقت اهل نمایش نبود. لباس‌هایی ساده می‌پوشید، در جمع‌های دوستانه خوشحال‌ترین یکی از همه بود، نه بیشتر. عشق بی‌پایان به یادگیری: بی‌نهایت کنجکاو بود: حتی بعد از گرفتن مدال‌ها، همچنان با شور کودکانه‌ای دنبال چالش‌ها و پرسش‌های جدید می‌رفت. می‌گفت: «ریاضیات مثل گم شدن در جنگل است: باید از تمام نقشی که داری استفاده کنی تا راهی پیدا کنی.» حتی در روزهای بیماری و زمانی که شاید مشخص بود فرصت چندانی ندارد نه از یاد گرفتن بازایستاد نه از انتقال تجربیاتش به دیگران. علاقه به ادبیات: در کودکی دوست داشت نویسنده شود؛ می‌گفت: «در کودکی رؤیای نویسنده شدن داشتم. سرگرمی هیجان‌انگیزم خواندن رمان‌ها بود؛ در واقع هر چیزی که پیدا می‌کردم می‌خواندم.» خانواده و تعادل: مادر بودن برایش فقط یک نقش نبود، بلکه مایه تمام‌انگیز معایش بود. فرزندش آنفیت‌ا سرمایه مهم‌زندگی‌اش بود.

میراث باقویی که خط‌شکن شد

در روزی که نام یک زن برای نخستین بار بر بلندای جایزه فیلدز نشست، شادی تا کنار میز دانش‌آموزان با استعداد در دورترین نقاط کشور و صحن پرهیاهوی دانشگاه‌های جهان پیش رفت. مریم میرزاخانی تنها یک دانشمند نبود؛ او راهی را گشود که دهها سال با تعریف‌های خاص از موفقیت که ممکن بر جرقه‌ایی با جنسیت بود بسته مانده بود. نشریات بین‌المللی همان روز تیتر زدند: «زنی که طلسم فیلدز را شکست». هرچند هنوز برخی به اشتباه تصور می‌کنند او چون در دنیای ریاضی محض فعال بوده پس حاصل تلاشش اثر مستقیمی روی زندگی مردم ندارد. درحالی که مریم میرزاخانی با پژوهش‌هایش در هندسه هذلولوی، نظریه تابش مولر و دینامیک سطوح، ابزارهایی را توسعه داد که کاربردهای گسترده‌ای در علوم مهندسی، فیزیک نظری، رمزنگاری، مدل‌سازی پیچیده و حتی تحلیل داده‌های زیستی دارند. تلاش او به فهم بهتر ساختارهای پیچیده در نظریه میدان‌های کوانتومی و سیستم‌های دینامیکی، طراحی الگوریتم‌های پیشرفته و کمک کرد میراث او نشان داد که حتی انتزاعی‌ترین شاخه‌های ریاضی می‌توانند پایه گذار تحول در فناوری‌های روزمره باشند.

گزارش روز

دشمنان انسجام ملی

حمله به رئیس جمهور مملکت که رهبری بارها بعد از تشکیل دولت چهاردهم از وی به عنوان فردی دلسوز، انقلابی و متعهد به نظام نام برده است نه تنها بازی کردن در زمین دشمنان است بلکه خیانت به ملتی است که الان خواهان آرامش هستند

به گزارش پیام آشنا به نقل از اینکار، محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی در گفت وگوی ویژه خبری و در بیان تقویت وحدت شکل گرفته در کشور بعد از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه کشورمان از "هسته سخت ۹۰ میلیون نفری فردی دلسوز اسلامی" نام می‌برد هستهای که در سال‌های اخیر به گروهی خاص از هواداران نظام اشاره داشتند. قالیباف با به کار بردن ۹۰ میلیون نفر این تعبیر را به چالش کشید و به نوعی به کسانی که تنها خود را دلسوز کشور، مردم و منافع ملت می‌دانستند این مسئله را یادآور شد که شاید دیگر خط کشی‌های سیاسی، جناحی و گروهی بی معنا است و همه آن در یک گروه هستند و هدف همه نیز یاید "نجات ایران" و سرزمین مان باشد.

برنا در ادامه می نویسد: البته باید توجه داشت که همیشگی ایرانیان در همه ادوار تاریخی و در زمانی که مورد هجوم و تهاجم سایر اقوام، ملل و کشورها قرار گرفته‌اند به سرعت شکل گرفته است و آنها برای دفاع از مرزوبوم خود رنگ، نژاد و اخلاق سلیقه‌ها را فراموش کرده‌اند و پابه میدان شده‌اند. شاید هیچ مسئله‌ای همانند دفاع از "میهن" نمی‌تواند این هسته سخت را شکل دهد. هستهای که باید مورد مراقبت قرار گیرد که میانا با برخی سخنان و بی سلیقگی‌ها مورد آسیب قرار گیرد و میانا ریزشی در آن شکل گیرد. رویش های این هسته باید برای نظام ارزشمند باشد و برای مراقبت از آنها یکسری اقدامات را انجام دهد. تقویت به خواسته مدنی و اجتماعی مردم کمتر از توجه به خواسته‌های معیشتی و اقتصادی آنها نیست. شاید بخش بزرگی از این رویش‌ها همان دهه نودی و هشتادی‌های هستند که خواسته‌های مدنی و اجتماعی شان باید شنیده شود.

نظام با هوشیاری باید از زمان و شرایط ایجاد شده فعلی استفاده کند. قالیباف به این نکته اشاره کرد که حتی افرادی که ممکن است به لحاظ اجتماعی یا سیاسی با نظام فاصله داشته باشند، در موقع بحرانی همچون جنگ یا تهدیدات خارجی، احساس مسئولیت کرده و به میدان آمدهاند. این واقعیت نشان دهنده یک همبستگی ملی است که فراتر از اختلافات سیاسی می‌رود.

آقای قالیباف در حالی بر تقویت و حفظ این همبستگی تأکید دارد که مقام معظم رهبری در شب عاشورا در حسینیه امام خمینی (ره) از مداح می‌خواهد "گی ایران" بخوانند و از آن طرف مسعود پزشکیان "مردم" را دلیل پیروزی در جنگ می‌داند و سایر دلسوزان نظام نیز بر حفظ این وحدت تأکید دارند. اگر رهبری خواستار خواندن سرود "گی ایران" شد شاید به این دلیل بود که مسئله‌ای بالاتر از نام ایران نمی‌تواند مدت را به همبستگی برساند.

در چنین شرایطی که به نوعی همه از ایجاد این وحدت ابراز رضایت و خشنودی می‌کنند و از آن طرف تهدیدات دشمن نیز ادامه دارد، عدهای با کوبیدن بر طبل اختلافات و بیهانه افراد دلسوز سخنان رئیس جمهور در مورد اینکه باب مذاکره بسته نیست سعی در برهم زدن این فضا و همبستگی دارند.

این افراد همان مخالفان هسته ۹۰ میلیونی هستند همان کسانی هستند که نان شان در ایجاد اختلاف و اشتقاق در کشور است. همان کسانی هستند که پرت کردن مهره و کفش به شخصیت‌های نظام در مجالس رسمی رایاب کردند. همان افرادی هستند که در مجلس، برای عدم بررسی طرح صیانت از فضای مجازی با عدم ایفای قانون عفاف و حجاب بدترین سخنان را علیه ریاست محترم قالیباف مطرح کردند. همان هایی که برای اجرای قانون عفاف، مقابل در مجلس رخخوباب پهن کردند. نان این افراد در حملههای هیجانی و کوبیدن بر طبل اختلافات است.

حمله به رئیس جمهور مملکت که رهبری بارها بعد از تشکیل دولت چهارهم از وی به عنوان فردی دلسوز، انقلابی و متعهد به نظام نام برده است نه تنها بازی کردن در زمین دشمنان است بلکه خیانت به ملتی است که الان خواهان آرامش هستند. اتفاقا اینها همان کسانی هستند که دلسوز نظام نیستند چرا که اگر دلسوز نظام بودند هیچگاه قصد تضعیف رئیس جمهور خود که منتخب ملت را نداشتند. خود این افراد به خوبی می‌دانند که این چند صدایی، چقدر برای اسرائیل آوازخوبی است. آوازی که با آن می‌تواند بهره برداری‌ها خود را از فضای داخلی داشته باشد.

آنچه روشن است موضع صریح پزشکیان در مورد لزوم دفاع از کشور، عدم اعتماد به آمریکا و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، و دفاع از جان وکیان مردم است و اینکه وی را وطن فروش بدانیم بدور از انصاف است.

اینکه اقایان به خودشان اجازه می‌دهند سخن از تورر رئیس جمهور بزنند در حالی که وی در همین چند ۱۲ روزه از تورر جان سالم به در بد و یا اینکه خودش اجازه می‌دهد سخن از تورر رئیس جمهور بزند.

اقایان اینقدر آش را شور کردند که مشاور رهبری نیز در واکنش به آنها توهین به رئیس جمهور را تقبیح می‌کند.

همه سخت نظام با این سخنان، جبهه گیری‌ها و حب و بغض‌های سیاسی و جناحی خیلی زود آسیب می‌بیند و آنگاه باید گفت "مریخ از زمان از دست رفته".

برخی از انسجام ملی و نقش مردم در دوران جنگ‌ها/حتمد

در روزهای پساجنگ ۱۲ روزه، تحلیل‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از سوی رسانه‌های مختلف مطرح شد. اما برخی تحلیل‌ها و اطلاعات یک سویه، جانبدارانه یا حتی مبتنی بر اطلاعاتی بود که سند و مدرکی نداشت و به عبارتی مشمول عبارت «خیار چملی» می‌شد.

به گزارش فرارو، انتقادات به برخی تحلیل‌های یک سویه که گاه از دل رسانه‌های مکتوب و شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود و گاه از رسانه‌ملی با انتقادات همراه شده است، برخی تحلیل‌گران این نوع اطلاع‌رسانی و تحلیل را در شرایط فعلی کشور صحیح نمی‌دانند و برخی معتقدند این نوع تحلیل‌ها دافعه دارد. جلال ساعتیان، دیپلمات پیشین ایران در انگلستان و تحلیلگر سیاست خارجی در گفتگو با فرارو به بررسی علل اهمیت تحلیل‌های دو سویه و مبتنی بر اطلاعات صحیح پرداخته است.

جلال ساعتیان به فرارو گفت: «یکی از مهمترین موضوعاتی که در طول جنگ ۱۲ روزه بین ایران و اسرائیل آموختیم، نقطهٔ ضعف و قوت نیروهای نظامی و امنیتی بود. در کنار دفاع از کشور، جامعه‌ای نیز مورد توجه قرار داد که باید هرچه سریعتر در این زمینه اقداماتی جدی انجام شود. در بخش دیپلماسی نیز وزارت امور خارجه در تلاش است تا شرایط را به سمتی مثبت حرکت دهد. در این شرایط حساس که کشور ما چه در عرصه دیپلماسی و چه در عرصه میدان نیاز به برخی بازنگری‌ها و بازسازی‌ها دارد. برخی اظهارنظرها جای سوال جدی دارد. قاعده اساسی در شرایط فعلی حکم می‌کند که مسیر ما در شرایط موجود، از طریق مذاکره پیش خواهد رفت اما این مذاکره با مذاکره‌های پیشین تفاوت هایی جدی خواهد داشت و حساسیت های آن به ویژه با توجه به تلاش‌های اسرائیل برای کارشکنی و برانگیختن مجدد جنگ بسیار بالاتر است.»

تحلیل‌های اشتباه منتهی به قهر مخاطب می‌شود

دیپلمات پیشین ایران در انگلستان گفت: «ما باید فارغ از آمادگی‌های امنیتی و نظامی، آمادگی‌های دیگری نیز برای مقابله با دشمن داشته باشیم. این آمادگی شامل آرامش در حوزه‌های سیاست خارجی و سیاست داخلی است. یک نکته مهم که شاید مقبول ملدمد مسئله انسجام ملی و نقش مردم است، موضوعی که مدتی پس از پایان جنگ بسیار مورد توجه قرار گرفت. اما پس از مدتی به فراموشی سپرده شد. حفظ مردم در دوران پساجنگ بسیار مهم است. اگر چه اقلیتی در کشور از بروز جنگ خوشحال و به اصطلاح وطن فروش بودند اما اکثریت مردم، مقاومت و ایستادگی کردند و با وجود همه انتقادات که به شرایط داشتند، بیانیه دادند، حمایت کردند و سعی کردند از کشور دفاع کنند. آن ها که تحلیل اشتباه ارائه می‌دهند دقیقا همان هایی هستند که می خواهند نقش مردم را کمرنگ کنند و برخی افراد گویی از این انسجام ملی نارحتند.»

وی افزود: «هنامسافقه برخی برنامه‌ها به طور ویژه در این ایام با کارشناسانی پر شده که گویی اعتقادی به اقراطی ندارند. مدام تحلیل‌های خاص و اقراطی ارائه می دهند و در تحلیل وضعیت جنگی بیشتر شعار می دهند تا این که متطقی صحبت کنند. یکی از آسیب های اولیه تحلیل های اشتباه قهر مخاطب با رسانه ای است که این نوع تحلیل ها را ارائه می دهد. نکته دوم بیهانه دادن به دشمنان است که به شکل جهت دار روی برخی اظهارنظرهای اقراطی یا تحلیل‌های غلط مانور می دهند و سعی خواهند کرد این را کشوری ضعیف و آسیب پذیر جلوه دهند چه اشکالی دارد که به جای تحلیلگران همیشگی و تکراری که در بسیاری موارد تحلیل های بی پایه ارائه می دهند از تحلیلگرانی دعوت شود که کمتر شنیده شده اند یا مواضعی متفاوت دارند؟ شنیده شدن صداها و نظرات مختلف، تحولاتی جدی در کشور ایجاد می کند. اتفاقا همین اقدام نیز بخشی از همان دیپلماسی موفق است که ابتدا اشاره کردم.»

اشاره

نتانیاهو عدد ۴۸۰ کیلومتر برای برد موشک‌های ایران را از کجا آورد؟

بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل در اظهاراتی جنجالی خواستار محدود کردن برد موشک‌های بالستیک ایران به ۴۸۰ کیلومتر شده است. اما این عدد از کجا آمده و چرا برای اسرائیل اهمیت دارد؟

به گزارش پیام آشنا به نقل از فرارو، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، در مصاحبهای با شبکه فاکس‌نیوز که در تاریخ ۱۳ ژوئیه ۲۰۲۵ منتشر شد، اعلام کرد که یکی از شروط وی برای حمایت از توافق احتمالی با ایران، محدود کردن برد موشک‌های بالستیک این کشور به ۴۸۰ کیلومتر (معادل ۳۰۰ مایل) است. این اظهارنظر توجهات زیادی را به خود جلب کرده و پرسش‌هایی درباره مبنای این عدد، ارتباط آن با معاهدات بین‌المللی و دلایل انتخاب آن توسط نتانیاهو ایجاد کرده است. در این گزارش، به بررسی مبنای این عدد، ریشه‌های احتمالی آن و دلایل اسرائیل که پشت این پیشنهاد پرداخته می‌شود.

مبنای عدد ۴۸۰ کیلومتر

نتانیاهو در مصاحبه خود به "معاهدات بین‌المللی" اشاره کرده و محدودیت ۳۰۰ مایل (حدود ۴۸۲ کیلومتر) را به عنوان یک استاندارد مجاز معرفی کرده است. با این حال، هیچ معاهده بین‌المللی الزام‌آوری که به طور خاص برد موشک‌های بالستیک را به ۴۸۰ کیلومتر محدود کند، وجود ندارد. محتمل‌ترین منبع این عدد، رژیم کنترل فناوری موشکی (MTCR) است که یک تفاهم سیاسی غیررسمی بین ۳۵ کشور برای محدود کردن گسترش فناوری موشک‌های بالستیک و بهپاها ایجاد شده است.

رژیم کنترل فناوری موشکی (MTCR)

تعریف و هدف MTCR در سال ۱۹۸۷ تأسیس شد و هدف آن جلوگیری از گسترش تسلیحات موشکی با قابلیت حمل کلاهک‌های سنگین (بیش از ۵۰۰ کیلوگرم) و برد بیش از ۳۰۰ کیلومتر است. این رژیم به طور خاص بر موشک‌هایی تمرکز دارد که می‌توانند کلاهک‌های غیرمتعارف (مانند هسته‌ای، شیمیایی یا بیولوژیکی) حمل کنند.

ارتباط با ۴۸۰ کیلومتر: عدد ۳۰۰ کیلومتر (۱۸۶ مایل) در MTCR به عنوان یک آستانه برای موشک‌هایی با قابلیت حمل کلاهک‌های سنگین تعیین شده است. با این حال، ۳۰۰ مایل (۴۸۰ کیلومتر) که نتانیاهو ذکر کرده، ممکن است نتیجه یک تبدیل تقریبی یا ارجاع به استانداردهای مشابه در اسناد دیگر باشد. این اختلاف (۳۰۰ کیلومتر در مقابل ۳۰۰ مایل) ممکن است به دلیل تفاوت در واحدهای اندازه‌گیری یا تفسیر خاص نتانیاهو باشد.

وضعیت ایران در MTCR: ایران عضو MTCR نیست و به این رژیم پایبند نیست. بنابراین، این محدودیت برای ایران از نظر حقوقی الزام‌آور نیست اما کشورهای عضو MTCR از انتقال فناوری موشکی به ایران خودداری می‌کنند که توسعه برنامه موشکی ایران را تحت تأثیر قرار داده است.

معاهدات دیگر

هیچ معاهده بین‌المللی دیگری به طور خاص برد ۴۸۰ کیلومتر را به عنوان یک استاندارد برای موشک‌های بالستیک تعیین نکرده است. به عنوان مثال: قطعنامه ۲۳۳۱ شورای امنیت سازمان ملل (۲۰۱۵): این قطعنامه که به توافق هستهای برجام مرتبط است، از ایران می‌خواهد تا فعالیت‌های مرتبط با موشک‌های بالستیک با قابلیت حمل کلاهک هستهای را انجام ندهد. با این حال، این قطعنامه بر خاصی را مشخص نمی‌کند و به جای آن بر نوع کلاهک تمرکز دارد. سایر رژیم‌های کنترل تسلیحات: معاهداتی مانند معاهده موشک‌های میان‌برد هستهای (INF) که بین ایالات متحده و شوروی سابق امضا شد، بر موشک‌هایی با برد ۵۰۰ تا ۵۵۰۰ کیلومتر تمرکز داشت و در سال ۲۰۱۹ لغو شد. این معاهده نیز ارتباط مستقیمی با عدد ۴۸۰ کیلومتر ندارد.

بنابراین، به نظر می‌رسد اشاره نتانیاهو به "معاهدات بین‌المللی" بیشتر به MTCR مربوط باشد. اما استفاده از عدد ۳۰۰ مایل (۴۸۰ کیلومتر) به جای ۳۰۰ کیلومتر ممکن است به دلیل تبدیل واحد یا برای تأکید بر یک محدودیت کمی بالاتر باشد.

دلایل انتخاب عدد ۴۸۰ کیلومتر توسط نتانیاهو

احتمال زیاد به دلایل استراتژیک و ژئوپلیتیکی مرتبط است. نه صرفاً یک مبنای حقوقی بین‌المللی. این دلایل را می‌توان به شرح زیر تحلیل کرد:

۱.محدود کردن تهدید علیه اسرائیل

فاصله جغرافیایی: فاصله تقریبی بین ایران و اسرائیل حدود ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ کیلومتر است. بسته به نقطه مبدأ و مقصد. موشک‌هایی با برد ۴۸۰ کیلومتر نمی‌توانند از خاک ایران به اسرائیل برسند.

کاهش تهدید مستقیم: ایران موشک‌های بالستیک متعددی با برد بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر در اختیار دارد. از جمله موشک‌های سجیل (۲۵۰۰-۱۹۰۰ کیلومتر)، خیبر (۲۰۰۰ کیلومتر) و حاج قاسم (۱۸۰۰-۱۴۰۰ کیلومتر). محدود کردن برد موشک‌های ایران به ۴۸۰ کیلومتر عملاً توانایی ایران برای هدف قرار دادن اسرائیل از خاک خود را از بین می‌برد و تهدید مستقیم علیه اسرائیل را کاهش می‌دهد.

۲.فشار بر برنامه موشکی ایران

اهمیت برنامه موشکی برای ایران: برنامه موشکی ایران یکی از ارکان اصلی استراتژی دفاعی و بازدارندگی این کشور است. ایران اعلام کرده که بازدارندگی این موشک‌ها برای اهداف دفاعی و بازدارندگی در برابر تهدیدات منطقه‌ای، از جمله اسرائیل و پایگاه‌های نظامی آمریکا طراحی شده‌اند. محدود کردن برد موشک‌ها به ۴۸۰ کیلومتر عملاً این برنامه را تضعیف می‌کند.

مذاکرات هسته‌ای و موشکی: نتانیاهو با مطرح کردن این شرط، تلاش می‌کند برنامه موشکی ایران را به مذاکرات هسته‌ای گره بزند. در حالی که ایران بارها تأکید کرده است که برنامه موشکی‌اش غیرقابل مذاکره است. این شرط می‌تواند به عنوان یک ابزار فشار دیپلماتیک برای تضعیف موقعیت ایران در مذاکرات احتمالی با قدرت‌های غربی عمل کند.

۳.همسویی با سیاست‌های ایالات متحده

مواضع دونالد ترامپ: دونالد ترامپ در مصاحبه خود به همسویی با دیدگاه‌های دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده اشاره کرده است. ترامپ نیز بر توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم و محدود کردن برنامه موشکی ایران تأکید کرده است. پیشنهاد ۴۸۰ کیلومتر می‌تواند تلاشی برای ایجاد یک جبهه مشترک با ایالات متحده در مذاکرات احتمالی باشد.

حمایت از سامانه‌های دفاعی اسرائیل: اسرائیل به سامانه‌های دفاعی پیشرفته‌ای مانند گنبد آهنین، فلاخن داوید و خنس وابسته است. با این حال، موشک‌های دوربرد ایرانی با قابلیت مانور بالا، مانند موشک‌های هایپرسونیک فتاح، می‌توانند چالش‌هایی برای این سامانه‌ها ایجاد کنند. محدود کردن برد موشک‌ها به ۴۸۰ کیلومتر، فشار بر سامانه‌های دفاعی اسرائیل را کاهش می‌دهد.

۴. پیام سیاسی و روانی

ایجاد قدرت روانی: مطرح کردن عدد ۴۸۰ کیلومتر می‌تواند بخشی از یک استراتژی روانی برای تحت فشار قرار دادن ایران و جلب توجه افکار عمومی بین‌المللی به برنامه موشکی ایران باشد. این عدد به اندازه کافی پایین است که عملا برنامه موشکی ایران را بی‌اثر کند اما به اندازه کافی بالا است که به نظر منطقی و مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی بیاید.

مشروعیت‌بخشی به اقدامات نظامی: نتانیاهو در مصاحبه خود به حملات اخیر اسرائیل و ایالات متحده به تأسیسات هسته‌ای و موشکی ایران اشاره کرده و ادعا کرده است که این حملات برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای ضروری بوده است. تأکید بر محدودیت ۴۸۰ کیلومتر می‌تواند به عنوان توجیهی برای اقدامات نظامی آینده علیه برنامه موشکی ایران مطرح شود.

پاسخ ایران به پیشنهاد محدودیت ۴۸۰ کیلومتر

به نظر مدلوم تأکید کرده است که برنامه موشکی‌اش برای اهداف دفاعی است و غیرقابل مذاکره است. عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، در واکنش به اظهارات نتانیاهو اعلام کرد که مذاکرات احتمالی با قدرت‌های غربی تنها به برنامه هسته‌ای محدود خواهد بود و برنامه موشکی در دستور کار قرار نخواهد داشت. این موضع با اظهارات قبلی مقامات ایرانی، از جمله سخنگوی وزارت امور خارجه در مذاکرات مسقط در آوریل ۲۰۲۵، همخوانی دارد.

فرعی

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۳:۱۹	۰۵:۰۲	۱۲:۱۲	۱۹:۲۲	۱۹:۴۲

فرعی

امروز با حافظ

دوش وقت سَحَر از غُصّه نجاتم دادند
واندر آن ظلمت شب آبِ حیاتم دادند
بیخود از شَعشَعه پرتو ذاتم کردند
باده از جام تجلّیّ صفاتم دادند

سنایی

فرعی

گر نه عشقت سایه من شد؟ چرا هر گه که من روی بَرتابم ازو پویان ز پَس باشد مرا؟

سنایی

برگه

بیشتر شکست‌های زندگی ناشی از تسلیم‌شدن در نقطه‌ای است که تنها چند گام تا پیروزی فاصله داشته است...

توماس ادیسون

کدام ارزها رکورددار سقوط در سال ۲۰۲۵ هستند؟

در محدوده **نوبر ۱۸۷ و ضعیت نامشخص برآمدهای ملی**، برخی ارزها که در **تبادلات و معاملات جهانی**، رایج هستند بیشترین کاهش ارزش را از ابتدای سال ۲۰۲۵ تا کنون در میان ارزهای جهان تجربه کرده‌اند که این امر به کاهش قابل توجه درآمدهای صادراتی نیز منجر می‌شود

ارز	کاهش ارزش در برابر دلار آمریکا در سال جاری میلادی ۲۰۲۵ تا کنون
بولیوار ونزوئلا	٪۵۱
پوند سودان جنوبی	٪۱۵
بزوی آرژانتین	٪۱۳
لیر ترکیه	٪۱۱
دینار لیبی	٪۹
دلار لیبریا	٪۸
شیلینگ تانزانیا	٪۸
دلار سوریه‌ام	٪۷
پیر اتیوپی	٪۶
فرانک روآندا	٪۵

ISNA

مکث

تسویه هشتگی بعد از حمله موشکی

صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران، که چند هفته پیش به عنوان یکی از نمادهای **نوبر ۱۸۷ و وضعیت نامشخص برآمدهای ملی**، برخی ارزها که در **تبادلات و معاملات جهانی**، رایج هستند بیشترین کاهش ارزش را از ابتدای سال ۲۰۲۵ تا کنون در میان ارزهای جهان تجربه کرده‌اند که این امر به کاهش قابل توجه درآمدهای صادراتی نیز منجر می‌شود، با تسلیحات نظامی، بلکه با شایعات، هجمه‌های رسانه‌ای و تخریب سیاسی هدف‌مند

به گزارش پیام آشنا به نقل از جام‌جم آنلاین، جنگی که آغاز آن با موشک بود، حالا با روایت اعلامه یافته است. رسانه‌ملی، به عنوان محور اصلی بازتاب روایت مقاومت، انسجام ملی و اتحاد در برابر تهدیدهای خارجی، پس از عبور موفق از آزمون جنگ ۱۲ روزه، حالا وارد میدان نبردی دیگر شده است؛ نبردی که برخی از مهم‌ترین بازیگران آن، نه دشمنان خارجی، بلکه برخی جریان‌های مشخص داخلی‌اند که از تثبیت صداوسیما در جایگاه مرجعیت رسانه‌ای خود در افکار عمومی کشور ناخشنودند.

از حمله فیزیکی تا تهاجم روانی

در جریان حمله اخیر رژیم صهیونیستی به خاک کشورمان، یکی از مواضعی که بخطور مستقیم هدف قرار گرفت، ساختمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران بود. این حمله، به وضوح بیانگر آن بود که صداوسیما نه فقط یک رسانه، بلکه یک مؤلفه مهم در ساختار قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران است. رسانه‌ای که توانست صدای محور مقاومت را به جهان مخابره کند، به همان اندازه که برای مخاطب داخلی الهام‌بخش بود، برای دشمن تهدید تلقی شد. این هدف زمانی از سوی دشمن صهیونی مشروعیت بیشتری پیدا کرد که رسانه‌ملی توانست با تثبیت مرجعیت خود در طول جنگ دوازده روزه نقش مهمی در اجماع ملی ایرانیان داشته باشد.

اما پس از آن حمله فیزیکی، حمله‌ای دیگر آغاز شد؛ این‌بار از داخل کشور. هجمه‌هایی سازمان‌یافته از سوی یک جریان سیاسی خاص و رسانه‌های همسو با آن، که با پمپاژ شایعات بی‌اساس درباره برکناری‌های مدیریتی و انتهازنی‌های رسانه‌ای، سعی در تخریب سازمان داشتند. این هجمه‌ها در بستر فضای مجازی، کانال‌های تلگرامی و برخی رسانه‌های رسمی‌تر بازتاب یافتند. جالب آن که برخی از این هجمه‌ها از سوی کسانی صورت گرفته است که در روزهای گذشته خود یا هم‌کارکنانشان از این تریبون‌ملی برای بیان دیدگاه‌ها و نظرات خود استفاده کرده‌اند!

کارزار شایعه و تخریب

در چند روز اخیر برخی رسانه‌های معلوم الحال سعی داشتند تصویری متزلزل و ازهم‌گسیخته از صداوسیما ارائه دهند؛ در کنار آن، اکاذیب و کانال‌های شناخته‌شده‌ای نیز با انتشار شایعاتی به‌دنبال القای نوعی شکاف و بی‌ثباتی در ساختار رسانه‌ملی بودند. این موج شایعه‌سازی، دقیقاً زمانی اتفاق افتاد که صداوسیما با پوشش تحلیلی و میدانی قوی از جنگ ۱۲ روزه، رضایت عمومی را ایجاد کرده و حتی در شکل‌گیری اجماع سیاسی کارنامه‌ای موفق از خود به جای گذاشته است. این که هجمه‌ها علیه صداوسیما دقیقاً پس از موفقیت رسانه‌ملی در مرور ۱۲ روز جنگ و ایفای نقش وحدت‌آفرین داخلی آغاز شده، به‌وضوح گویای ماهیت سیاسی و مهندسی‌شده این تخریب‌هاست.

باید به این مهم توجه داشت که صداوسیما در جنگ ۱۲ روزه توانست چند اتفاق مهم را رقم بزند: بازتاب دقیق و سریع میدان نبرد از زاویه مقاومت، به حاشیه راندن روایت‌سازی رسانه‌های غربی و عبری، دعوت به